



موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
روابط عمومی و امور من المل
۶۶۹۲۷۲۳۶ - ۶۶۹۲۷۲۳۶
WWW.ITSR.IR

بازار بازر

بولتن تحلیلی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
شماره نوزدهم - مهرماه ۱۴۰۳

اصلاح نظام تعرفه ای



امین مالکی

ممنوعیت های وارداتی عامل اشتباه در سنجش
حمایت های تعرفه ای



پریسایعقوبی

تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه با همسویی نظام
تعرفه ای و زنجیره های ارزش جهانی



فرزاد مرادپور

افول تعرفه در ایران مقارن با قراین احیای
تعرفه در جهان



میترا رحمانی

منطقی کردن ساختار تعرفه ها با عضویت در
موافقت نامه های تجارت ترجیحی



حسن نایبی

ضرورت ساماندهی خطوط تعرفه تحت عنوان
«سایر» در ساختار تعرفه ای کشور



علی زاهدطلبان

پیش نیازها و الزامات اصلاحات تعرفه ای در ایران

شناسنامه نشریه

مدیر مسئول: دکتر احمد تشکینی

سر دبیر: نادر نیکخو

تامین محتوای: فائزه کیائی

گرافيست و صفحه آرا: ماهورا موسوی

عکاس: امیر محسن باسحا



موضوع شماره پیشین: دور نمای صمت در دولت چهاردهم

نشریه دیجیتال «بازار نا بازار» شامل تازه ترین دیدگاه ها و گزارش های تحلیلی پژوهشگران و کارشناسان موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در موضوعات تخصصی و روز کشور است و لزوما دیدگاه رسمی و سازمانی این موسسه به حساب نمی آید.

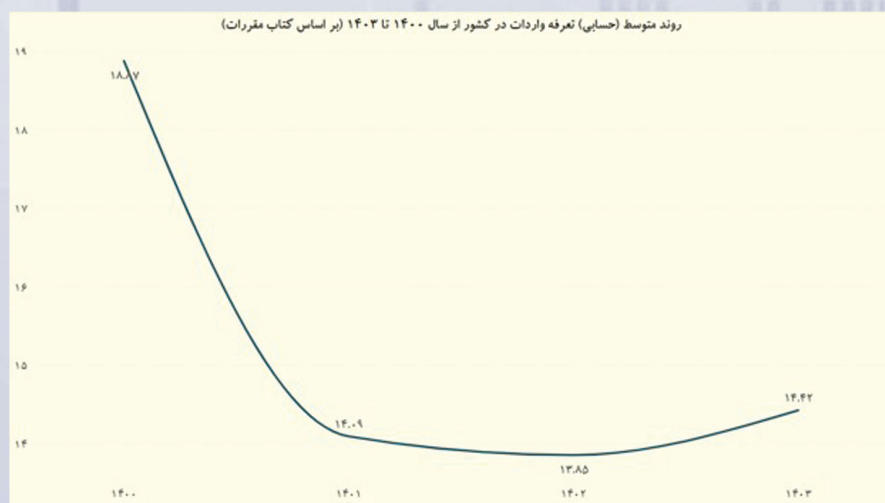




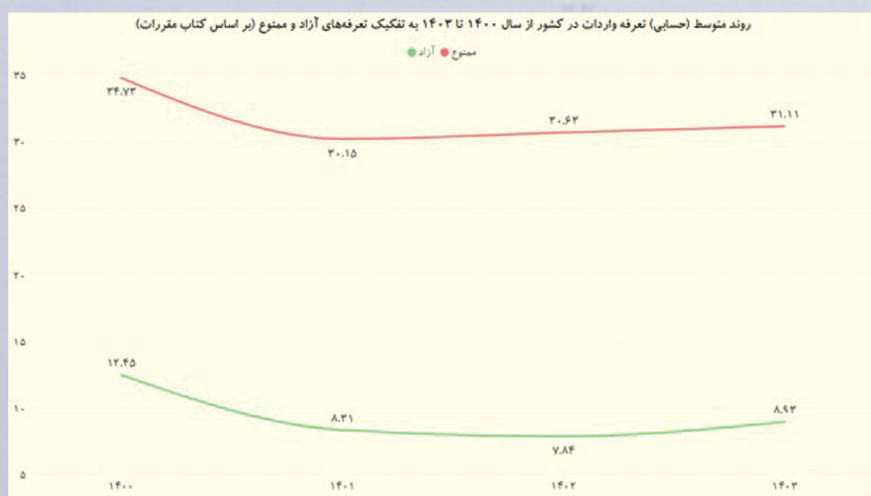
امین مالکی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

ممنوعیت های وارداتی عامل اشتباه در سنجش حمایت های تعرفه ای

نقش تعرفه ها در اقتصاد امروز چیست؟ ممکن است تعرفه ها منبع درآمد آسانی به نظر برسند، اما پیامدهای واقعی برای اقتصاد دارند. استفاده از تعرفه کالاهای وارداتی را گران تر می کند و می تواند به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از تطبیق کامل نرخ ارز با ارزش بازار و کاهش انگیزه های صادرات و افزایش انگیزه برای جایگزینی واردات استفاده شود. بنابراین سیاست تعرفه ها می تواند ترکیب محصول کشوری را که در دنیای پیچیده جهانی شده امروزی جایگاه خود را در زنجیره ارزش جهانی تعیین می کند، تحت تأثیر قرار دهد. متأسفانه تحولات اخیر نظام تعرفه ای ایران حاکی از فقدان گام های مشخص برای توسعه چشم اندازی منسجم برای سیاست های تعرفه ای و تعیین شفاف اهداف سیاست تعرفه ای است. در خصوص چالش های مهم نظام تعرفه ای کشور باید گفت که از یک طرف نگاه سنتی کسب درآمد به تعرفه، در حال سه چالش ۱- ایجاد اختلال تجاری، ۲- کاهش سطح رقابت در واردات و ۳- افزایش هزینه نهاده ها را تقویت کرده و از طرف دیگر وضع ممنوعیت های سنگین و گسترده تر وارداتی از ابتدای سال ۱۴۰۰ که طی آن ۲۲۶۱ ردیف تعرفه در فهرست ممنوعیت نوع اول (دائمی) و ۳۱۷ ردیف تعرفه در فهرست ممنوعیت نوع دوم (ساخت داخل) قرار گرفتند، خود چالش های جدی تری به همراه داشته است. در این خصوص با توجه به اینکه ۵۱ ردیف تعرفه در دو فهرست نوع اول و دوم ممنوعیت مشترک هستند، تعداد ردیف های تعرفه ممنوع برای سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به ۲۵۲۸ ردیف تعرفه و با توجه به خروج ۱۲۰ ردیف از شمول ممنوعیت ها در خرداد ۱۴۰۳ برای سال جاری تعداد تعرفه ممنوع به ۲۴۰۸ ردیف می رسد. در سال های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ ردیف های تعرفه کتاب مقررات صادرات و واردات به ۸۵۵۰، ۸۸۴۷، ۸۹۸۷ و ۹۰۳۷ ردیف می شوند و این به این معنای است که طی این دوره چهار ساله، به ترتیب ۳۰، ۲۹، ۲۸ و ۲۷ درصد تعرفه های وارداتی امکان واردات نداشته اند. وضع این ممنوعیت سنگین خود ایجاد کننده اختلال های متعدد اقتصادی دیگری شده است که از جمله آن ها می توان به ۱- ایجاد ناکارآمدی در بخش تولید، ۲- تقویت جریان های ضد صادراتی، ۳- تحمیل بار حمایت ها بر دوش مصرف کننده داخلی، ۴- تشویق قاچاق، ۵- تشویق کم اظهاری و ۶- افزایش ثبت های اشتباه در نظام رسمی آماری تجارت خارجی اشاره کرد. حال مساله اصلی، بررسی نظام تعرفه ای کشور، با لحاظ کردن چنین سطحی از ممنوعیت ها است. نگاهی به نظام تعرفه گذاری کشور نشان می دهد اتفاقاً آنجا که تعرفه های بالایی وضع شده است، ردیف تعرفه به فهرست ممنوعیت ها رفته اند و آن ردیف تعرفه هایی که آزاد هستند نرخ تعرفه پایینی دارند. لذا در حال حاضر، این است که ممنوعیت ها از شمول تعرفه های وارداتی کشور کنار گذاشته شوند و سپس متوسط حسابی و وزنی تعرفه وارداتی مورد محاسبه قرار گیرد. در یک نگاه ساده انگارانه به میانگین حسابی تعرفه های وارداتی، در سال ۱۴۰۳ این میانگین از ۱۳.۸۵ در سال ۱۴۰۲ فراتر رفته و به ۱۴.۴۲ درصد رسیده است. اما مساله این است که سطح حمایت تعرفه های کشور امروز عملاً پایین تر است، چراکه بخش عمده ای از تعرفه های بالا، عملاً از گردونه واردات کشور خارج شده اند و امکان واردات ندارند.

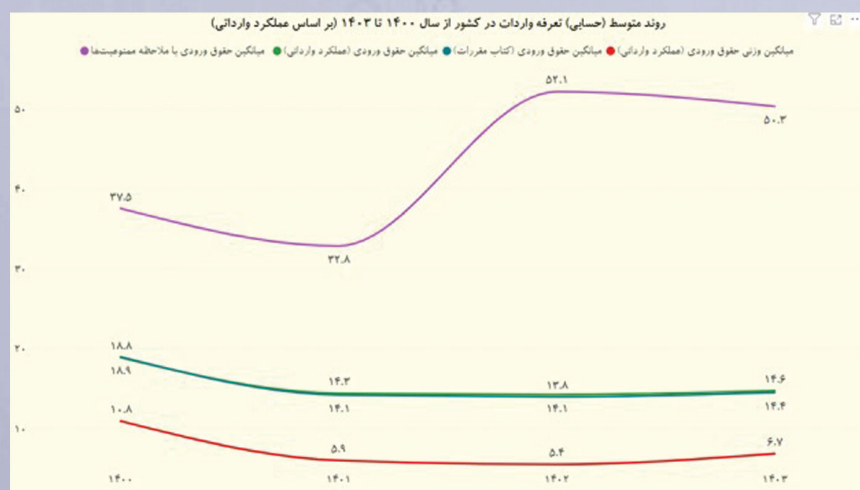


منبع: کتاب مقررات صادرات و واردات



منبع: کتاب مقررات صادرات و واردات

لذا اگر نگاه صرفاً میانگین حسابی بدون لحاظ ممنوعیت ها و تعداد تعرفه ها باشد، عدد مذکور شدیداً از واقعیت فاصله می گیرد. برای رفع این معضل باید میانگین وزنی را مد نظر قرار داد و برای تعرفه های ممنوع یک معادل حقوق ورودی در نظر گرفت که می تواند در یک نگاه حداقلی، بالاترین طبقه وارداتی در هر سال باشد.



منبع: کتاب مقررات صادرات و واردات و آمار گمرک



تفاوت میانگین حقوق ورودی (عملکرد وارداتی) و میانگین حقوق ورودی (کتاب مقررات) در ورود تعرفه‌های سال گذشته، به سبب تعرفه‌ای سال جاری است که در کتاب مقررات صادرات و واردات سال جاری تصریحی برای تعرفه آن‌ها در نظر گرفته نشده است. از آنجا که سبب عملکرد واقعی واردات با سبب تصریح شده در کتاب مقررات تفاوت می‌کند، تفاوت اندکی در نرخ این دو مشاهده می‌شود. لذا، همان‌طور که مشاهده می‌شود، با گسترش ممنوعیت‌های وارداتی، نظام تعرفه‌ای کشور به هیچ عنوان انعکاس سطح حمایت‌ها نیست و تعریف و تصریح میانگین‌های مختلف به شدت تحلیل‌ها را به انحراف می‌برد.

معرفی الگویی برای اصلاح

برای اصلاح این رویه می‌توان از تجربه اخیر جنگ تجاری میان آمریکا و چین درس‌های مهمی گرفت. ۱۱ مردادماه ۱۴۰۳ بود که «دفتر نمایندگی تجاری آمریکا»، نتایج بررسی و تصمیم‌نهایی خود در زمینه میزان افزایش تعرفه پاره‌ای اقلام وارداتی از چین که در کتاب تعرفه این کشور تحت عنوان «سرفصل ۳۰۱» شناخته می‌شود را اعلام کرد (جدول). از سال ۲۰۱۸ با تصمیم «دونالد ترامپ» در واکنش به سیاست‌های ناعادلانه تجاری چین، در سرفصل ۳۰۱ تعرفه‌های ویژه‌ای خاص کشور چین تعیین شدند. آن زمان در فاز اول ذیل این سرفصل، حداقل ۷.۵ و حداکثر ۲۵ درصد تعرفه تعیین و از نظر فراوانی، دو سوم کل اقلام وارداتی آمریکا از چین مشمول تعرفه جدید شد. حال در فاز دوم دفتر نمایندگی مذکور به این نتیجه رسیده که اولاً برای متقاعد کردن چین به تغییر رویه‌های تجاری و ثانیاً برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های جدید آمریکا در پاره‌ای صنایع راهبردی مانند «انرژی پاک»، «خودروهای الکتریکی» و «تیمه‌رسانا»، تعرفه‌ها را مجدداً بالا برد و برآورد می‌کند که با افزایش‌های جدید، در کل نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار به هزینه واردات اقلام مذکور از چین افزوده شود. در فاز دوم در خصوص اقلامی مانند فولاد و آلومینیوم ذیل چند سرفصل واردات از چین مشمول تعرفه بیشتر شده است. در «سرفصل ۳۰۱» تعرفه آن‌ها سه برابر شده از ۷.۵ به ۲۵ درصد خواهد رسید و در «سرفصل ۲۳۲» (امنیت ملی) به ترتیب ۲۵ و ۱۰ درصد تعرفه دیگر برای آن‌ها لحاظ می‌شود. لذا از این پس فولاد و محصولات فولادی چینی برای واردات باید ۵۰ درصد و آلومینیوم و محصولات آلومینیومی چینی برای واردات باید ۳۵ درصد تعرفه پرداخت کنند. یک تصمیم مهم دیگر در این بازنگری، رفع تمامی معافیت‌های تعرفه‌ای بود که تا پیش از این ذیل پاره‌ای سیاست‌ها در واردات لحاظ می‌شد و قرار است از این به بعد در مورد چین این معافیت‌ها لغو شوند. البته به تولیدکنندگان آمریکایی این مژده داده شد که در واردات برخی ماشین‌آلات وارداتی بخش صنعت از چین کماکان می‌توانند در کوتاه مدت یعنی تا خرداد ۱۴۰۴ تعرفه بیشتری نپردازند. دفتر نمایندگی مبتنی بر تجربه سنوات اخیر شاهد بود که چینی‌ها برای دور زدن تعرفه‌ها، محصولات خود را به مکزیک و از آن طریق به آمریکا می‌فرستند. حال تصمیم جدید بر آن است تا واردکنندگان محصولات مورد نظر از مکزیک منشأ تولید را طبق ضوابط مشخص کنند. مشخصاً برای فولاد و محصولات فولادی که خارج از منطقه آمریکای شمالی ذوب و ریخته‌گری شده باشد، واردات از مکزیک مشمول پرداخت تعرفه‌های جدید ۲۵ درصدی و برای آلومینیوم و محصولات آلومینیومی، اگر منشأ ذوب آن یک کشور دست اول یا دست دوم دیگر و یا مشخصاً سه کشور «چین»، «بلاروس» و «ایران» باشد، مشمول ۱۰ درصد تعرفه خواهد شد.

پیش از این دفتر نمایندگی با صدور یک بیانیه رسمی، واردات آلومینیوم و محصولات آلومینیومی تولید شده در روسیه از مکزیک را مشمول یک تعرفه ۲۰۰ درصدی کرده بود. سیاست‌های جدید تعرفه‌ای صنایع آمریکایی را ناگزیر کرده که در برنامه‌های سرمایه‌گذاری جدید و در واردات آتی برای تداوم تولید، با بررسی دقیق فهرست اقلام وارداتی انقضای معافیت‌های پیشین یا افزایش تعرفه‌ها در خصوص آن‌ها را بررسی کنند و تا آنجا که ممکن است با تغییر منشأ واردات مانع از افزایش هزینه‌های تولید شوند. «راهبردهای منبع‌یابی» (۲) به ویژه امکان‌پذیری جابجایی خطوط تولید از کشورهای مذکور به کشوری دیگر، امروز یکی از راهبردهای بزرگ مقیاس شرکت‌های آمریکایی را شکل می‌دهند.

درس اول: تعرفه را یک قبا برای همه نبینید

* برای تعرفه‌گذاری بهتر است بسته به کشور مبدا و منشأ تولید، نرخ‌های متفاوت تنظیم کنید، تا به اهرم‌سازی تعرفه در مذاکرات کمک کنید.

* برای تعرفه‌گذاری بسته به اهداف مختلف، سرفصل‌های مختلف تعریف کنید. یک کالا را صرفاً طی یک سرفصل مشمول تعرفه نکنید. با این اقدام امتیازات مصنوعی در مذاکرات تعریف و روابط تجاری خود را تنظیم کنید.

درس دوم: اهرم‌سازی تعرفه برای تنظیم روابط تجاری

* قطع روابط تجاری چاره‌ساز نیست، اگر کشورها به بازار داخلی شما وابسته باشند، تعرفه‌ها اهرم فشار می‌شوند.

* ممنوعیت واردات چاره‌ساز نیست، حتی در قبال کشور دشمن (روسیه) بهتر است تعرفه ۲۰۰ درصدی بگذارید تا اینکه واردات را ممنوع کنید.

* فشار بر کشور صادرکننده را تدریجی اعمال کنید. تعرفه‌های فاز دوم می‌تواند تا پنج‌برابر فاز اول باشد و از یک سرفصل به چند سرفصل افزایش یابد.

* برای اهرم‌سازی تعرفه‌ها، مطمئن شوید که حداقل دوسوم سبب وارداتی آن کشور را پوشش داده‌اید.

* به هنگام افزایش تعرفه‌ها، مطمئن شوید که شرکت‌های داخلی را با «راهبردهای منبع‌یابی» (۱) جدید در خصوص آن تعرفه، در داخل و خارج، آشنا کرده‌اید.

* بسته به نیاز داخلی، حتی در قبال یک کشور متخاصم، عدم افزایش هزینه‌های تولید را در اولویت بگذارید (عدم افزایش تعرفه‌های واردات ماشین‌آلات صنعتی چینی).

درس سوم: تعرفه، نیاز داخلی و هزینه تولید

* به هنگام افزایش تعرفه‌ها، مطمئن شوید که شرکت‌های داخلی را با «راهبردهای منبع‌یابی» (۱) جدید در خصوص آن تعرفه، در داخل و خارج، آشنا کرده‌اید.

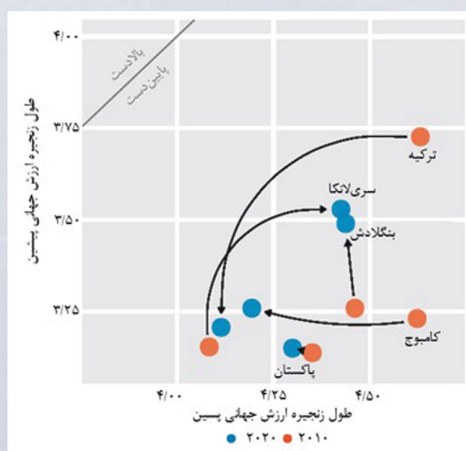
* بسته به نیاز داخلی، حتی در قبال یک کشور متخاصم، عدم افزایش هزینه‌های تولید را در اولویت بگذارید (عدم افزایش تعرفه‌های واردات ماشین‌آلات صنعتی چینی).



همسویی نظام تعرفه‌ای و زنجیره‌های ارزش جهانی

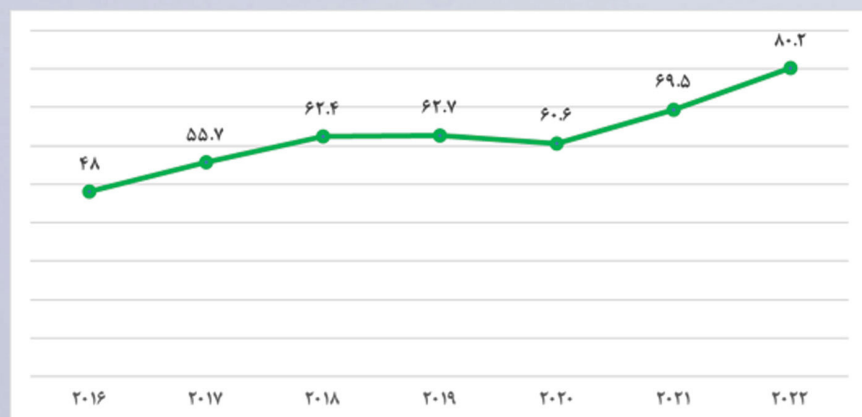
برای رسیدن به اهداف برنامه هفتم توسعه

پریسا یعقوبی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)



۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است و این حاکی از آن است که با افزایش نرخ تعرفه در طول این زنجیره سبب کاهش در زنجیره‌های ارزش پسین و پیشین این صنعت شده و برای حمایت از صنایع داخلی این بخش مشارکت خود را در زنجیره‌های ارزش جهانی کاهش داده است.

نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی کشور ترکیه



مشارکت ترکیه در زنجیره‌های ارزش جهانی از ۸.۸ درصد در ۱۹۹۵ به ۲۰.۹ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت و تا سال ۲۰۲۱، با صادرات فناوری متوسط و پیشرفته که ۴۱.۶ درصد از کل صادرات بخش صنعت این کشور را تشکیل می‌داد؛ سبب شد تا ترکیه در بین ۱۵۳ کشور در رده ۲۷ ام قرار گیرد.

اصلاح سیاست تجاری ترکیه در سال ۲۰۲۳، به دنبال هدف کاهش کسری حساب جاری، تنوع بخشیدن به روابط تجاری، ارتقای پیچیدگی صادرات و تحکیم موضع خود در زنجیره‌های ارزش جهانی بود که با تطبیق‌های قانونی، اصلاح نظام تعرفه‌ای (MFN) و تشدید تعاملات تجاری تسهیل شد و ترکیه توانست با این اصلاحات ساختاری مشارکت خود را در زنجیره‌های ارزش جهانی افزایش دهد و در صنایع استراتژیکی مانند نساجی و پوشاک بیشتر به سمت حمایت از این صنایع و افزایش مصرف داخلی شده و از مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی فاصله گیرد.

با نگاهی به اصلاحات ساختاری کشور ترکیه مشاهده می‌شود که اگر ایران به دنبال دستیابی به اهداف برنامه هفتم توسعه و ورود به زنجیره‌های ارزش جهانی در صنایع راهبردی خود است باید نرخ تعرفه این صنایع را کاهش دهد ولی از سوی دیگر این صنایع مورد حمایت دولت بوده و کاهش نرخ تعرفه جهت ورود مواد این صنایع می‌تواند آسیب جدی به صنایع کشور همچون نساجی و پوشاک بزند و این دو سیاست با یکدیگر همسو نبوده و جهت رسیدن به اهداف ماده ۴۸ برنامه هفتم توسعه و ورود به زنجیره‌ها باید سیستم نظام تعرفه‌ای کشور بازطراحی و اصلاح گردد.

از اولویت‌های امروز اسناد بالادستی کشور ورود به زنجیره‌های ارزش جهانی و سیاست گذاری در جهت حرکت از اقلام صادراتی اولیه به بخش‌های انتهایی زنجیره ارزش جهانی است که در بند «ت» ماده ۴۸ برنامه هفتم توسعه اقتصادی قابل مشاهده است. این ماده بر این موضوع اشاره دارد که وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است تا سند راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور را برای هشت صنایع راهبردی از جمله ۱- صنایع برق و ریز (میکرو) الکترونیک، ۲- خودروسازی با اولویت خودروهای برقی و برقی-بتزینی (هیبریدی)، ۳- ماشینسازی و ساخت تجهیزات، ۴- صنایع پایین‌دستی نفت و گاز و پتروشیمی، ۵- معدن با اولویت مس و عناصر نادر خاکی، ۶- خدمات فنی مهندسی، ۷- نساجی و پوشاک و ۸- بازیافت تدوین نماید.

کشورهای موفق در مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی توانستند با اتخاذ سیاست‌های تجاری مناسب از جمله: کاهش تعرفه‌های تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی، هدفمند کردن نرخ تعرفه‌ها، رفع موانع و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، فراهم‌سازی شرایط برابر و رقابتی برای دسترسی با بازارهای داخلی، توسعه مناطق آزاد تجاری و توسعه زیرساخت‌های تولیدی و لجستیکی حضور و مشارکت خود را در این زنجیره‌ها سرعت بخشند.

با در نظر گرفتن صنایع راهبردی ایران در برنامه هفتم توسعه اگر جایگاه ایران در زنجیره های ارزش جهانی بیشتر در بخش بالادست و صدور مواد اولیه و خام بوده، باید با اتخاذ سیاست تجاری مناسب به بخش پایین‌دست و صدور کالای نهایی حرکت کند. یکی از متداول‌ترین سیاست‌هایی که در این خصوص قابل اجرا است سیاست کاهش نرخ تعرفه های گمرکی است که می‌تواند سبب افزایش مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی شود؛ ولی باید این نکته را در نظر گرفت که این صنایع راهبردی و استراتژیک کشور غالباً تحت حمایت دولت بوده و برای واردات این صنایع نرخ‌های تعرفه بالایی در نظر گرفته شده است و در نتیجه ورود به زنجیره‌های ارزش جهانی را می‌تواند با مشکل مواجه کند.



در این راستا با نگاهی به کشور ترکیه مشاهده می‌شود که این کشور با هدف کاهش کسری حساب جاری، تنوع بخشیدن به صادرات، پیشرفت پیچیدگی‌های تکنولوژیکی و ارتقای موقعیت خود در زنجیره‌های ارزش جهانی (GVC)، به بازبینی سیاست صنعتی و تجاری خود پرداخت هدف اصلی این اصلاح هماهنگ نمودن سیاست واردات-صادرات و مذاکرات تجاری خود با اهداف استراتژیک این کشور بوده و جهت حمایت از صنایع کلیدی کشور خود همچون منسوجات، نرخ‌های تعرفه را افزایش داده است تا از واردات مواد این صنعت به کشورش جلوگیری نماید و مشارکت خود را در زنجیره‌های پسین ارزش جهانی کاهش داد. همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود جایگاه ترکیه در مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی صنعت نساجی و پوشاک در سال



منطقی کردن ساختار تعرفه‌ها با عضویت در موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی



میترا رحمانی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)



موافقت‌نامه تجارت ترجیحی و نقش آن در منطقی کردن تعرفه‌ها

کاهش نرخ‌های تعرفه و هدفمند کردن نوسانات آن در چارچوب اهداف سیاست تجاری و صنعتی یکی از مهمترین نیازهای کشور در زمینه سیاستگذاری تجاری است که باید از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. نرخ تعرفه‌های بالا در ایران به عنوان مانعی در جهت تجارت با سایر کشورها به شمار می‌رود که باعث شده کشور مزیت تجاری خود را از دست بدهد و نقش آن در تجارت جهانی کمرنگ شود. بدون شک توجه به این مهم و یافتن راه‌حل‌های ممکن یکی از نیازهای اساسی کشور در خصوص رفع معضل تعرفه‌های بالاست تا روابط تجاری ایران با رعایت اصل سود متقابل برای شرکای تجاری توجیه‌پذیر گشته و در کنار تحریم‌های اعمال شده ناشی از برنامه هسته‌ای ایران به تحریم خودساخته دیگری برای گسترش روابط تجاری با سایر کشورها منجر نگردد.

موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی به عنوان فضای تجاری کنترل شده در مقایسه با مقیاس آزادی جهانی تجارت راهی است که کشورها سعی می‌کنند با حضور در آنها بتوانند کاهش و حذف تعرفه‌ها را در اتمسفری کوچکتر تجربه نموده و صنایع خود را برای حضور در بازارهای جهانی آماده نمایند. این موافقت‌نامه‌ها امروز سهم بزرگی از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند به طوری که حجم وسیعی از تجارت در چارچوب این موافقت‌نامه‌های تجاری انجام می‌پذیرد.

اقبال جهانی موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و دورافتادگی ایران

همانطور که از نمودار زیر تعداد موافقت‌نامه‌های در حال اجرا و غیرفعال را از سال ۱۹۴۸ تا سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد به وضوح مشخص است که طی سه دهه اخیر موافقت‌نامه‌های تجاری رشد چشمگیری داشته و نقش و سهم مهمی در تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. به طوری که در سال ۲۰۲۴ تعداد موافقت‌نامه‌های تجاری در حال اجرا به ۳۷۱ مورد، تعداد موافقت‌نامه‌های در حال مذاکره ۶۰۹ مورد و تعداد کل موافقت‌نامه‌های فعال و غیرفعال ۸۳۶ مورد گزارش شده‌است.

وضعیت نظام تعرفه‌ای ایران

تعرفه ساده‌ترین ابزار سیاستگذاری تجاری است و مالیاتی است که هنگام ورود کالا به یک کشور اخذ می‌شود. اگرچه تعرفه برای دولت‌ها منبع درآمد هم محسوب می‌شود ولی هدفی اصلی از اعمال آن حمایت از صنایع داخلی نوپا و آسیب‌پذیر است. در واقع تعرفه بالا به عنوان ابزاری موقتی در خصوص حمایت از صنایع نوزاد تا آمادگی آن طی دوره زمانی مشخص برای رقابت پذیری در سطح جهانی پذیرفته شده‌است. تعرفه و وضع حقوق و عوارض بر واردات را می‌توان با قدمت‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار مداخله دولت‌ها در تجارت با سایر کشورها دانست.

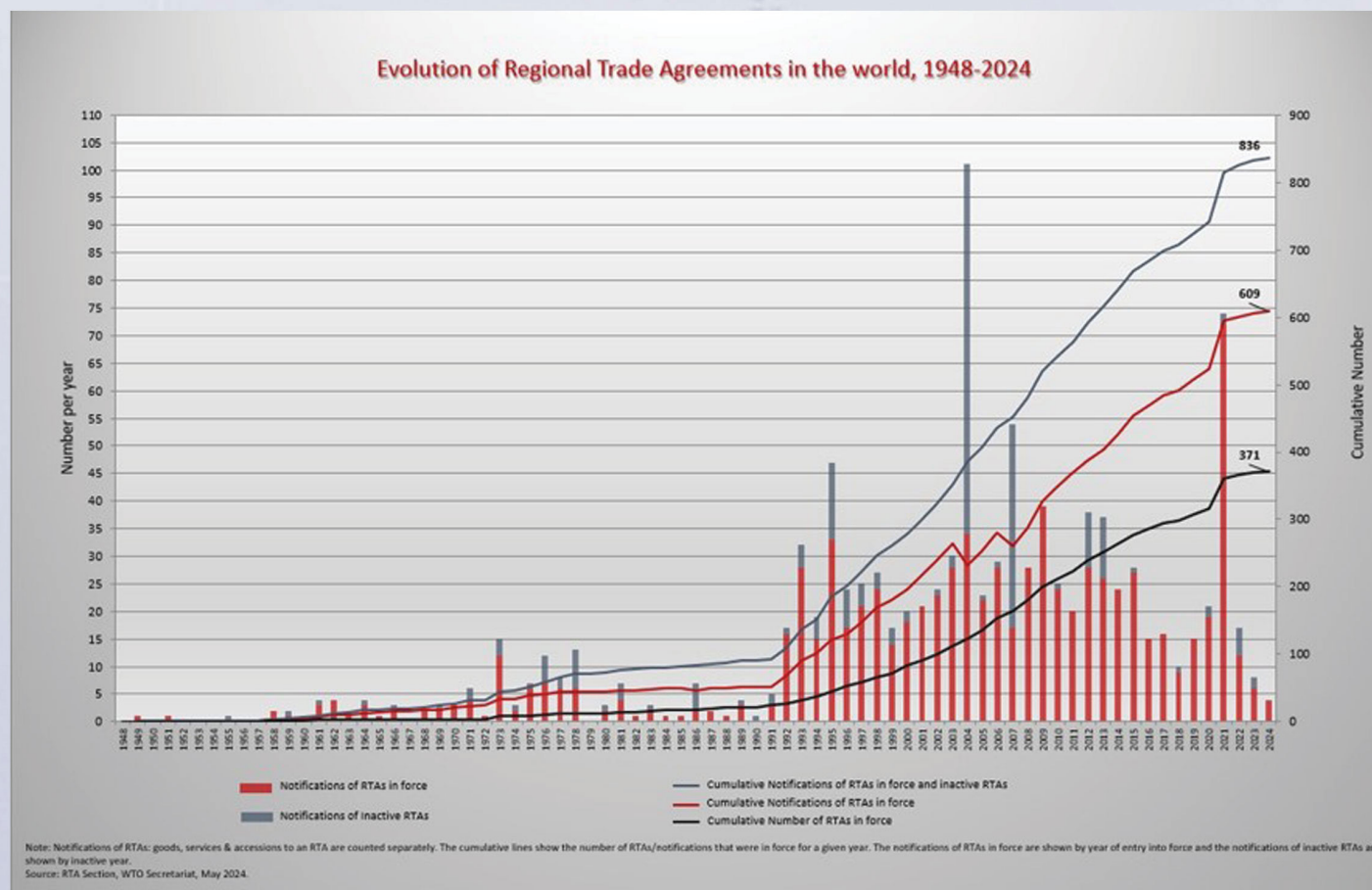
اگرچه جهان در دهه‌های اخیر شاهد کاهش موانع تجاری و از جمله مهمترین آن یعنی تعرفه بر واردات در چارچوب تلاش‌های نهادهای بین المللی چون WTO بوده ولی همچنان بسیاری از کشورها و از جمله قدرت های بزرگ اقتصادی به صورت موقت و محدود از تعرفه به عنوان سیاست حمایتی استفاده کرده و می‌کنند. اما در ایران بالا بودن تعرفه وارداتی به پدیده‌ی بلندمدت و فراگیر برای همه کالاهای وارداتی تبدیل شده‌است. ایران با میانگین نرخ تعرفه ۲۱ درصد یکی از بالاترین نرخ‌های تعرفه در جهان را دارد.

مطابق نظر کارشناسان و همچنین پژوهش‌های انجام شده نظام تعرفه کشور بی‌ثبات و همراه با تغییرات پی‌درپی حقوق ورودی بوده و همچنین طولانی و بلندمدت بودن حمایت‌ها و فقدان عنصر زمان و عملکرد در حمایت‌های تعرفه‌ای اعطا شده آن را به عنصری بی‌اثر در راستای اهداف تعیین شده و معضلی بزرگ تبدیل کرده‌است.



ایران به علت داشتن رویکرد درونگرا در توسعه برای سال های آغازین پس از انقلاب اسلامی حضور فعالی در موافقتنامه های تجارت ترجیحی نداشته و اگرچه تغییر این رویکرد در سال های پس از جنگ منجر به پذیرش تعامل فعال با اقتصاد جهانی شده و در اسناد توسعه نیز بدان تاکید شده ولی در عمل حضور ایران در موافقتنامه های تجارت ترجیحی محدود بوده و همان موارد محدود نیز منجر به گسترش روابط تجاری مطابق با کاهش و حذف موانع تعرفه ای پیشنهادی نگردیده است.

با توجه به وسعت سرزمین و توان اقتصادی و تجاری ایران زمینه برای تعامل سودمند با اقتصاد جهانی فراهم است و رشد این موافقتنامه ها بین کشورهای جهان در سال های اخیر آن را به یک الزام ضروری برای گسترش روابط تجاری تبدیل کرده و شرایط تحریمی اهمیت بهره مندی از چنین ابزارهایی را برای اقتصاد و تجارت ایران دو چندان می کند.



از دیگر عواملی که می تواند معیاری برای ارزیابی شانس موفقیت یک موافقت نامه تجاری به شمار آید حجم تجارت قبلی اعضای آن است. هرچه سطح تجارت و روابط اقتصادی قبل از برقراری موافقتنامه بیشتر باشد زمینه همکاری اقتصادی و تجاری بیشتری برای گسترش تجارت، انتقال فناوری، سرمایه گذاری و ادغام در زنجیره ارزش فراهم می گردد.

مطابق این چارچوب تحلیلی ضمن استقبال ایران از برقراری موافقتنامه های تجارت ترجیحی با سایر کشورها به علت شرایط تحریم و نیاز ایران برای استفاده از این ظرفیت برای کاهش موانع تعرفه ای و افزایش حضور در صحنه تجارت جهانی که شرح آن رفت به نظر می رسد برقراری موافقتنامه تجارت ترجیحی با شرکای تجاری اصلی که هم شریک اصلی صادراتی و هم شریک اصلی وارداتی ایران محسوب می شوند (جدول ۱) می توانند در اولویت بررسی برای برقراری موافقتنامه تجارت ترجیحی قرار گیرند.

ردیف	نام کشور	لرزش صادرات	سهم از کل صادرات	نام کشور	واردت	سهم از کل واردت
۱	چین	۱۳۹۱۵	۲۸.۲	امارت متحده عربی	۲۰۷۶۷	۳۱.۴
۲	عراق	۹۲۱۶	۱۸.۷	چین	۱۸۵۳۹	۲۸
۳	امارت متحده عربی	۶۶۱۲	۱۳.۴	ترکیه	۷۵۲۰	۱۱.۴
۴	ترکیه	۴۱۶۰	۸.۴	آلمان	۲۱۵۱	۳.۲
۵	هند	۲۱۷۵	۴.۴	هند	۱۹۱۶	۲.۹
۶	پاکستان	۲۰۷۹	۴.۲	روسیه	۱۶۹۱	۲.۶
۷	افغانستان	۱۸۷۱	۳.۸	هلند	۱۱۸۹	۱.۸
۸	عمان	۱۴۰۹	۲.۹	انگلستان	۱۰۷۵	۱.۶
۹	روسیه	۹۴۶	۱.۹	سوئیس	۱۰۱۹	۱.۵
۱۰	لدونزی	۶۵۵	۱.۳	هنگ کنگ	۸۹۰	۱.۳

جدول ۱: شرکای اصلی تجاری ایران در سال ۱۴۰۲ (میلیون دلار، درصد)

برقراری موافقتنامه های تجارت ترجیحی با سایر کشورها با آزادسازی تدریجی و کنترل شده تعرفه ها می تواند با توجه به معضلات بلندمدت نظام تعرفه ای کشور راهی معقول و منطقی برای اصلاح نظام تعرفه کشور باشد.

مبانی نظری تاکید کننده عضویت در موافقتنامه های تجارت ترجیحی و اولویت های ایران در برقراری موافقت نامه های تجاری

نظریه شرکای تجاری طبیعی یکی از مهمترین دلایل برای موفق بودن موافقت نامه تجارت ترجیحی است. اگر کشورهای عضو یک موافقتنامه تجارت ترجیحی شرکای طبیعی تجاری یکدیگر بوده و اکمال تجاری قابل قبولی با یکدیگر داشته باشند، زمینه موفقیت موافقتنامه فراهم بوده و کاهش و حذف موانع تعرفه ای شرایط سود متقابل را برای آنها فراهم می آورد. حال اگر چنین شرایطی فراهم نباشد نزدیکی جغرافیایی که زمینه ساز بسیاری از همگرایی های اقتصادی است با توجه به کوتاه بودن فاصله جغرافیایی و کاهش هزینه های حمل و نقل شرایط سود متقابل را برای شرکای منطقه ای فراهم می آورند. بسیاری از نظریه پردازان در خصوص موافقتنامه های تجاری تنها به آثار ایستای همگرایی (اثرات ایجاد و انحراف تجارت) توجه نکرده و معتقدند که حتی اگر کشورها به لحاظ توان اقتصادی در شرایطی برابری قرار نداشته باشند، همکاری های اقتصادی و تجاری می تواند در بلندمدت در قالب انتقال فناوری، سرمایه گذاری و ورود به زنجیره های ارزش منافع برای کشورهای با توان اقتصادی کمتر فراهم آورد. البته هماهنگی این سیاست تجاری با سایر سیاست های تجاری، صنعتی و ثبات اقتصاد کلان کشور می تواند زمینه بهره مندی از امکانات پیش گفته را فراهم آورد.

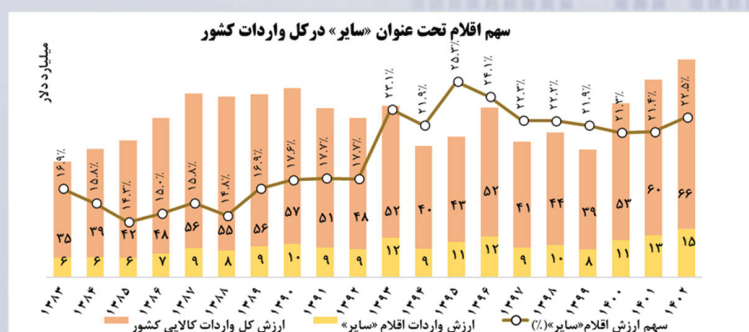


ضرورت ساماندهی خطوط تعرفه تحت عنوان «سایر» در ساختار تعرفه‌ای کشور



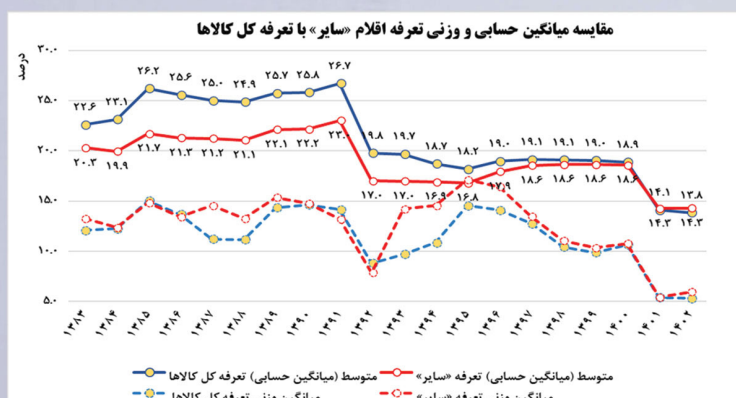
حسن ثاقب (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

قریب به یک چهارم ارزش واردات کشور شامل اقلامی است که تحت عنوان «سایر» در زیرمجموعه کدهای هشت رقمی HS صورت می‌پذیرد. مطابق نمودار زیر، سهم اقلام «سایر» در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار بوده و ۲۲.۵ درصد از کل ارزش واردات کشور را تشکیل می‌دهد. این اقلام طی ۲۰ سال گذشته، سالانه بین ۱۴ تا ۲۵ ارزش واردات کشور را به خود اختصاص داده است.



ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران (سال های ۱۳۸۳-۱۴۰۲)، قانون مقررات صادرات و واردات (سال های ۱۳۸۳-۱۴۰۲)

مقایسه میانگین حسابی تعرفه اقلام «سایر» با تعرفه کل کالاها نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۰۰، همواره متوسط تعرفه اقلام «سایر» بیش از متوسط تعرفه کل بوده است. آنچه مسلم است طبق نمودار زیر شکاف سطح متوسط تعرفه‌ها طی ۲۰ سال اخیر در حال کاهش بوده و حتی در دو سال اخیر متوسط تعرفه اقلام «سایر» اندکی بالاتر قرار گرفته است. با این وجود بالاتر بودن میانگین وزنی تعرفه اقلام «سایر» نشان می‌دهد که تمایل به واردات کالا از طریق اقلام «سایر» در سطح بالاتری قرار دارد.

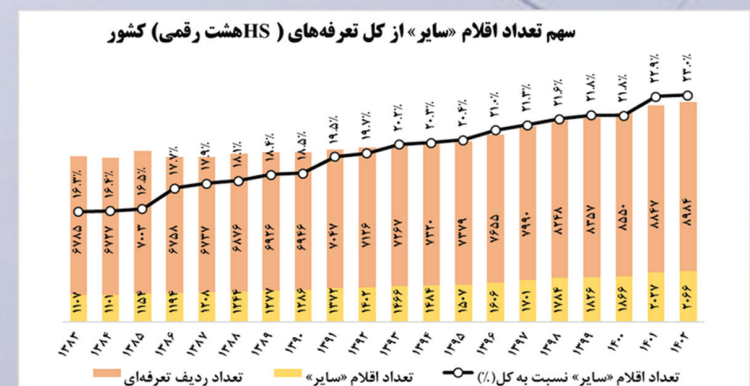


ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران (سال های ۱۳۸۳-۱۴۰۲)، قانون مقررات صادرات و واردات (سال های ۱۳۸۳-۱۴۰۲)

به نظر می‌رسد کالاهایی که بیشتر مورد اقبال مصرف کنندگان و به تبع آن واردکنندگان کشور قرار می‌گیرد و جایگاه برتری در مبادلات تجاری کشور دارند بطوری که حدود یک چهارم واردات کشور را به خود اختصاص داده‌اند، نبایستی بصورت بی‌نام و در قالب کدهایی تحت عنوان «سایر» در نظام تعرفه‌ای کشور تعریف شوند. اینگونه کالاها بطور طبیعی بایستی در اولویت برای اختصاص یک کد تعرفه جداگانه با شرح کالای مشخص قرار گیرند. با توجه به تبعات ناخوشایند اینگونه طبقه‌بندی‌ها و در راستای شفاف‌سازی بیشتر، جلوگیری از سوء استفاده و از همه مهمتر افزایش کارایی ابزار تعرفه در سیاست‌گذاری‌های صنعتی و تجاری کشور، پیشنهاد می‌شود سازمان توسعه تجارت ایران و اعضای کمیسیون ماده ۱، حل این مسئله را در برنامه‌های اصلاحی نظام تعرفه‌ای کشور قرار دهند. اختصاص کدهای ۱۰ و حتی ۱۲ رقمی به اقلام کالایی مختلف و افزایش دقت برای تعیین کالاها در ساختار تعرفه‌ای کشور همانند کشورهای پیشرو، می‌تواند در این خصوص راهگشا باشد.

برنامه‌ریزی تجاری و مدیریت واردات در خصوص کالاهایی که نشانه دقیقی از ویژگی آنها در اختیار نیست، امری دشوار محسوب می‌شود. در قانون مقررات صادرات و واردات کشور تعداد قابل توجهی از ردیف‌های تعرفه‌ای تحت عنوان «سایر کالاها» در زیر مجموعه گروه های کالایی مختلف ذیل کدهای شش رقمی HS در نظر گرفته شده است. با وجود آنکه این طبقه‌بندی جزئی‌ترین شکل طبقه‌بندی کالایی (یعنی در سطح کدهای هشت رقمی HS) کشور می‌باشد، اما کماکان، امکان رصد و شناسایی دقیق برخی کالاهای وارداتی وجود ندارد، چرا که کالاها با ویژگی‌های مختلف ذیل یک کد با شرح کالا تحت عنوان سایر قرار می‌گیرند. این نوع طبقه‌بندی از دقت این ابزار سیاست تجاری می‌کاهد و موجب اشکالاتی می‌باشد. اول اینکه، اعمال سیاست‌های هدفمند تجاری مبنی بر حمایت از کالاهای داخلی در مقابل کالاهای مشابه وارداتی و کمک به رقابت‌پذیری کالاها در بازارهای داخلی و خارجی را دچار مشکل می‌کند، دوم اینکه در صورت اشتباه در تعرفه گذاری و تخصیص تعرفه‌های پایین‌تر برای این دسته از کالاها (اقلام با شرح کالای «سایر») احتمال سوء استفاده در ثبت گمرکی کالاها و همچنین احتمال کاهش درآمدهای تعرفه‌ای دولت نیز وجود خواهد داشت و سوم اینکه امکان شناسایی و معرفی دقیق اقلام کالایی در مذاکرات دو و چند جانبه تجاری را سلب می‌نماید.

بررسی وضعیت اقلام «سایر» در ساختار تعرفه‌ای نشان می‌دهد که مطابق قانون مقررات صادرات و واردات کشور در سال ۱۴۰۲، حدود ۲۳ درصد از اقلام (در سطح کدهای HS شش رقمی) شامل کدهای کالایی با شرح کالای «سایر» است. مطابق نمودار زیر تعداد این اقلام از ۱۱۰۷ کد کالایی (۱۶ درصد از کل ردیف‌های تعرفه‌ای) در سال ۱۳۸۳ به ۲۰۶۶ کد کالایی (۲۳ درصد از کل ردیف‌های تعرفه‌ای) در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. در شرایطی که تعداد کدهای کالایی در سطح هشت رقمی HS هر سال در حال افزایش هست، منطق حک می‌کند که این کدهای به کالاهای جدید شناسایی شده، اختصاص یابد اما ملاحظه می‌شود که افزایش سهم اقلام «سایر» در میان کدهای HS با نرخ رشد بالاتری در حال افزایش است.



ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران (سال های ۱۳۸۳-۱۴۰۲)، قانون مقررات صادرات و واردات (سال های ۱۳۸۳-۱۴۰۲)

بررسی آماری واردات این اقلام طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که میزان قابل توجهی از واردات کشور از طریق این کدهای کالایی صورت می‌پذیرد. بررسی خطوط تعرفه‌ای برخی کشورها مانند ترکیه، مالزی و همچنین اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که کشورهای مذکور با در نظر گرفتن خطوط تعرفه‌ای در سطح ۱۰ رقمی و حتی ۱۲ رقمی، امکان برنامه ریزی دقیق تجاری و صنعتی را برای خود فراهم می‌سازند و از این روش ویژگی و مشخصات کالاهای وارداتی را تا حد امکان قابل رصد نموده و از تعرفه به عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری استفاده بهینه تری می‌نمایند.

افول تعرفه در ایران مقارن با قراین احیای تعرفه در جهان



فرزاد مرادپور (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

گسترش شدید ترتیبات ترجیحی تجاری هم حدود نصف تجارت جهانی را به نرخهای ترجیحی منتقل کرده است و بالغ بر دو سوم تجارت جهان در اقلام عاری از تعرفه صورت می گیرد. بخش اعظم این تعرفه های صفر نه مربوط به نرخ عمومی تعرفه ها بلکه مربوط به نرخهای ترجیحی تعرفه بوده اند به نحویکه در اقلام کشاورزی سهم تعرفه های ترجیحی با نرخ صفر نزدیک به نیمی از تجارت جهانی و در اقلام صنعتی حدود یک چهارم تجارت جهانی و در منابع طبیعی حدود یک ششم تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که متوسط ساده تعرفه های جهان در سال ۲۰۲۲ در اقلام کشاورزی حدود ۲۰ درصد، در اقلام صنعتی حدود ۱۰ درصد و در منابع طبیعی حدود ۶ درصد است. البته این نرخهای متوسط تفاوت های زیادی در گروههای محصولی و مناطق مختلف جهان دارند.

بعنوان مثال منطقه غرب آسیا در سال ۲۰۲۲ شاهد افزایش متوسط تعرفه در هر سه گروه (به ترتیب) کشاورزی، صنعت و منابع طبیعی نسبت به یک دهه پیش از آن بوده است و منطقه جنوب آسیا به جهت افزایش متوسط تعرفه در اقلام کشاورزی و صنعتی (ونه منابع طبیعی) به منطقه غرب آسیا شباهت دارد. از نظر گروههای کالایی نیز اکثر گروههای کالایی در سال ۲۰۲۲ شاهد افزایش متوسط تعرفه نسبت به یک دهه قبل خود بوده اند.

اگرچه سطح متوسط تعرفه ها با همه تفاوت هایشان چندان بالا نیستند اما شمار مهمی از کالاهای حساس هم هستند که تعرفه های بالای ۱۵ درصد دارند. بعنوان مثال، حدود ۷۰ درصد اقلام کشاورزی و حدود ۳۰ درصد اقلام صنعتی در جنوب آسیا تعرفه های بالای ۱۵ درصد دارند. در میان گروههای کالایی هم حدود ۳۰ درصد محصولات غذایی در جهان تعرفه های بالای ۱۵ درصد دارند و چرم و پوشاک با حدود ۲۵ درصد پوشش تعرفه های بالای ۱۵ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند. همچنین سهم فرازهای تعرفه های ملی، یعنی سهم تعرفه های سه برابر میانگین تعرفه های ملی، و بویژه در گروه کشورهای توسعه یافته روند صعودی یافته است. کشورهای توسعه یافته بالاترین نرخ بیشینه تعرفه اعمالی که شاخصی برای سنجش وجود بخش های بسیار حساس است را به خود اختصاص داده اند و این نرخ در سال ۲۰۲۱ برای آنها ۳۵۰ درصد ، در کشورهای در حال توسعه ۲۵۰ درصد و در کشورهای در کمترین درجه توسعه یافتگی زیر ۱۰۰ درصد بوده است.

مقایسه میانگین ساده تعرفه های ایران تا چند سال پیش ایران را در شمار چند کشور با بالاترین نرخ متوسط تعرفه معرفی می کرد. این در حالی بود که روندهای جهانی از زمان تاسیس سازمان جهانی تجارت هم علاوه بر ممنوعیت محدودیت های مقداری حاکی از کم رنگ شدن هر چه بیشتر نقش تعرفه در سیاست تجاری بود. نخستین دهه پس از تاسیس سازمان جانی تجارت جهان شاهد کاهش حدود سی درصدی تعرفه بود و در قریب به دو دهه بعد آن نیز روند کاهشی ولو به صورت ملایمی ادامه داشته است.

در حالی که پیش بینی می شد با افزایش استفاده حمایتی از ابزارهای دیگری همچون مقررات فنی یا بهداشتی و همچنین با خیزش زنجیره های ارزش جهانی، ابزارهای سنتی حمایتی مانند تعرفه ها و محدودیت های مقداری که به نظر می رسید منطق اقتصادی کمی دارند منسوخ شوند، همه چیز در چند سال گذشته تغییر کرد و این ابزارهای سنتی تجدید حیات یافتند. از یک طرف، با جنگ تجاری آمریکا و چین، تعرفه ها به عنوان ابزاری برای مجازات کشورها در دستیابی به اهداف اقتصادی و غیراقتصادی محبوبیت خود را به دست آوردند و از طرف دیگر، همه گیری کرونا منجر به اتخاذ انواع مختلفی از محدودیت های مقداری شد. به نحویکه، تا اوت ۲۰۲۱، حداقل ۱۰۱ کشور محدودیت های مقداری مربوط به همه گیری را اعمال کردند. البته، قواعد مبدأ و مقررات تسهیل تجارت اهمیت خود را برای عملکرد مناسب زنجیره های ارزش جهانی حفظ کردند.





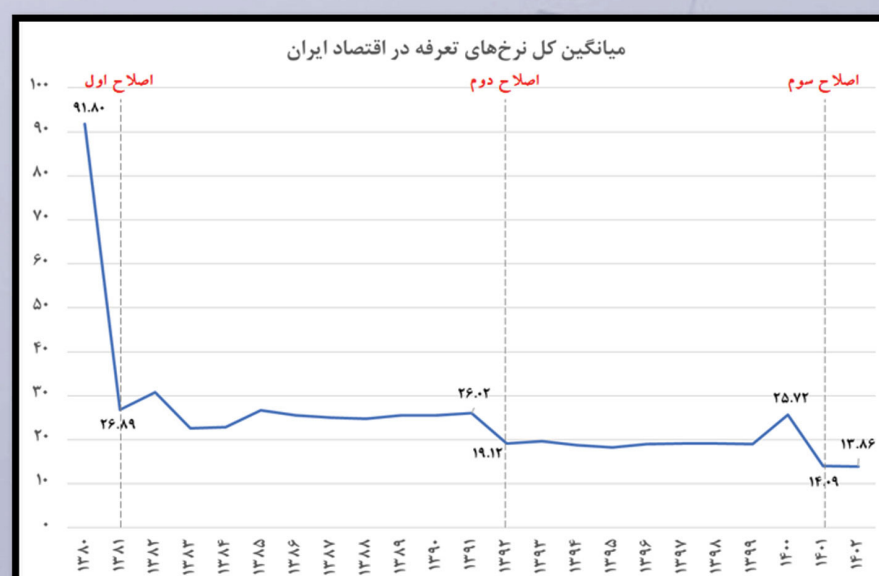
تقارن نقاط عطف کاهش های تعرفه های با تغییرات شدید نرخ ارز رسمی کشور گویای «انفعال سیاست تجاری در برابر سیاست های ارزی» بوده است که به منزله جبران بار تورمی ناشی از سیاست ارزی با سیاست تجاری و خنثی سازی اثر حمایتی تعرفه ها است، گو اینکه نرخ های تعرفه ایران حتی در زمان اوج خود صرفا نرخ های اسمی بوده که با ملاحظه شکاف مستمر نرخ ارز رسمی با نرخ بازار آزاد، اثر حمایت واقعی آنها بسیار کمتر از نرخ های اسمی بوده است.

البته از سوی دیگر ایران از سال ۱۴۰۰ اقدام به وضع ممنوعیت های گسترده وارداتی کرده است که بیش از یک چهارم کل کالاها را شامل می شود. اگرچه این اقدام ممنوعه خود بالاترین نرخ های تعرفه ما را به خود اختصاص داده اند اما وضع ممنوعیت ها قاعدتا حکایت از آن دارد که نرخ های مزبور بازدارندگی کافی نسبت به کنترل واردات و حفظ هر چه بیشتر منابع ارزی که هدف اصلی سیاستگذار در این خصوص بوده است را نداشته اند.

ارزیابی مقایسه ای وضعیت واقعی دسترسی به بازار در کشورمان با کشورهای نظیر در فقدان شاخص های یکسان قابل مقایسه و در دسترس به آسانی میسر نیست. استفاده از شاخص هایی همچون میانگین موزون هم به جهت آنکه عملکرد اقلام ممنوع را به جهت عدم تحقق تجارت به کلی حذف می کند انحراف بزرگتری از واقعیت ایجاد می کند، ضمن اینکه مقوله ترجیحات هم در میانگین موزون موثر است و قضاوت در خصوص نرخ های عمومی تعرفه را مخدوش می سازد. در حال حاضر اعمال همین ممنوعیت ها و محدودیت های تجاری، جبران کننده بخش عمده ای از ناکارآمدی سیاست تعرفه ای کشور است، اما ماهیت موقت این اقدامات با توجه به الزامات قوانین بالادست کشور از یک سو و در نظر داشتن تجارب پیشین در حذف محدودیت ها با عدم معادل سازی تعرفه ای مناسب آنها و تبعات زیانبار آن از سوی دیگر، نباید توجه ما را از ناکارآمدی سیاست تعرفه ای در تامین اهداف سیاست صنعتی و تجاری غافل گرداند.

تعرفه افزایی در طول زنجیره ارزش به تناسب افزایش ارزش یعنی وضع تعرفه بیشتر بر محصولات نهایی نسبت به محصولات واسطه و مواد اولیه (تعرفه های پلکانی) همچنان ویژگی رژیم های تعرفه ای اغلب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به درجات مختلف است.

ایران اما طی حدود دو دهه اخیر بر خلاف روند آرام کاهش تعرفه ها در اقتصاد جهانی، روند کاهشی شدیدی در تعرفه ها داشته است که متعاقب تغییر نرخ ارز رسمی کشور سه نقطه عطف آن در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۹۲ و ۱۴۰۱ بوده است. در نتیجه این کاهش ها، میانگین نرخ تعرفه برای کل اقلام کالایی در ایران به کمتر از ۱۴ درصد تنزل یافته که این نرخ برای اقلام صنعتی و کشاورزی به ترتیب نزدیک ۱۲ و ۲۴ درصد است و سهم مجموع تعرفه ها با نرخ بالای ۱۵ درصد هم به کمتر از ۲۴ درصد اقلام رسیده است. این در حالیست که نرخ های نظیر در کشور ترکیه در سال ۲۰۲۲ به ترتیب نزدیک به ۱۷ درصد و ۱۳ و ۴۲ درصد و سهم مزبور بالای ۳۵ درصد بوده است. در سال ۲۰۲۳ هم نرخ های نظیر ترکیه به ترتیب بالای ۱۶ درصد و بالای ۱۲ درصد و ۳۹ درصد و سهم مزبور بالای ۳۳ درصد مانده اند. بنابراین ایران در تمامی این شاخص های تعرفه ای در درجه آزادسازی بالاتری نسبت به ترکیه قرار گرفته است.





علی زاهدطلبان (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

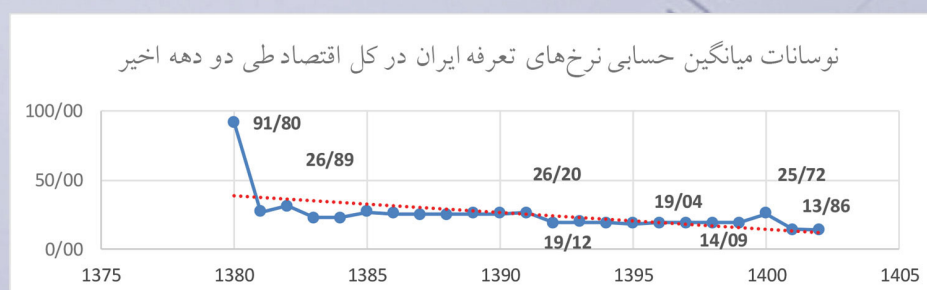
پیش نیازها و الزامات اصلاحات تعرفه‌ای در ایران

۱. پیشینه موضوع

میانگین نرخ‌های تعرفه ایران در طول دو دهه گذشته از یک روند کاهشی با نوسانات سالانه برخوردار بوده و در سه مقطع سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۹۲ و ۱۴۰۱ به دلیل شوک‌های ارزی و تحت تاثیر تغییر مبنای نرخ ارز در تقویم ارزش ریالی واردات، کاهش‌های شدیدی را از سر گذرانده و در حال حاضر به کمینه تاریخی خود و کمتر از ۱۴ درصد رسیده است (نمودار زیر). اصلی‌ترین دلیل این کاهش‌ها در سه مقطع مذکور اجتناب از شوک تورمی ناشی از اصلاح نرخ ارز بوده که حاکی از سلطه سیاست‌های ارزی بر سیاست‌های تجاری است و ادامه این روند و دنباله‌روی سیاست تعرفه‌ای از سیاست ارزی، آینده مبهم و نامطمئنی را برای این حوزه از سیاست تجاری کشور و فرسایش مداوم نرخ‌های تعرفه و خروج کلی آن از دست سیاستگذار به عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری رقم زده است. این ملاحظات و بالا گرفتن بحث‌ها پیرامون این موضوع در ماه‌های اخیر، سبب شد تا وزیر محترم صمت در دولت چهاردهم به عنوان سکandar جدید حوزه سیاست‌های تجاری کشور، بازنگری ساختار تعرفه‌های کشور را با قید فوریت به معاون ذیربط و ریاست سازمان توسعه تجارت ایران تکلیف کند. بازنگری مذکور و انجام اصلاحات تعرفه‌ای امری ضروری و لازم بوده که در این نوشتار کوتاه به اهمیت تعرفه‌ها در ساختار سیاست تجاری و پاره‌ای از پیش شرط‌ها و الزامات ضروری آن به اختصار اشاره می‌شود.

۳. ضرورت توجه به سایر ابزارها در گستره وسیع سیاست تجاری

فرایند جهانی شدن و گسترش روابط کشورها باعث شده است که سیاست تجاری دیگر صرفاً به ابزارهای تجاری سنتی یا موانع تجاری مرزی مثل تعرفه‌ها و سهمیه‌های وارداتی محدود نگشته و طیف بسیار وسیعتری از مقررات و اقدامات مؤثر بر تجارت بین‌الملل از جمله استانداردهای مختلف در مورد کار، بهداشت، محیط زیست و حمایت از مصرف‌کنندگان؛ مقررات مربوط به فعالیتهای خدماتی مثل بانکداری، ارتباطات راه‌دور و غیره؛ اقدامات حمایتی اعم از کشاورزی و صنعتی؛ حقوق مالکیت فکری؛ سیاست رقابتی؛ ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری؛ مقررات مربوط به فساد و ارتشا؛ و غیره را در برگیرد. بدین ترتیب، اکنون سیاست تجاری از واردات کالا بسیار فراتر رفته و نظام قانونگذاری داخلی کشورها را نشانه می‌گیرد و به همین دلیل در تدوین آن نه تنها باید موضوعات و حوزه‌های بسیاری را مورد توجه قرار داد بلکه پیشبرد آن نیز به هماهنگی جدی نهادها و مراجع مرتبط نیاز دارد.



۲. نقش تعرفه در سیاست تجاری

سیاست‌های تعرفه‌ای بدون شک یکی از اجزاء مهم و کلیدی سیاست تجاری هر کشور بشمار می‌رود که نقش تعیین‌کننده و حائز اهمیت را در جهت‌دهی الگوی رقابت با دیگر کشورها برعهده دارد. تعرفه از دیرباز ابزاری مهم برای مداخله دولت در اقتصاد و تجارت و حمایت از تولیدات داخلی بوده و برغم تحولات پدیدآمده در فرایند آزادسازیهای تجاری طی دهه‌های اخیر هنوز هم از ابزارهای پر کاربرد در تنظیم سیاست تجاری همه کشورها به حساب می‌آید و در عین حال در زمره مشروعتترین و



۴. پیش نیازها و الزامات بازتنظیم و اصلاح نظام تعرفه در ایران، توصیه های سیاستی

مهمترین و اصلی ترین کارکرد تعرفه، تأمین حمایت لازم از کالاهای مشابه تولید داخلی در رقابت با کالاهای وارداتی است. امروزه جنبه درآمدی تعرفه ها برای دولت ها بویژه در اقتصادهای پیشرفته و مدرن کمتر مورد توجه قرار دارد. در ایران نیز با توجه به سهم قابل توجه درآمدهای نفتی در ترکیب درآمد دولت، هدف و کارکرد اصلی تعرفه ها غالباً معطوف به جنبه های حمایتی آن بوده که البته سیاستی منطقی و معقول است. مهمترین چالشی که در این زمینه وجود دارد، بهینه یابی نرخ های تعرفه برای حمایت مؤثر از کالاهای مشابه ساخت داخل است. جنبه های دیگری از موضوع نظیر اثرات وضع تعرفه بر سطح قیمت ها (تورم) و یا سرریز اثرات وضع تعرفه یک کالا و یا صنعت بر سایر کالاها و صنایع مرتبط نیز در خور تعمق و تأمل جدی است که پیچیدگی موضوع را بیشتر می کند. همچنین توجه به نرخ حمایت مؤثر تعرفه نسبت به نرخ های اسمی تعرفه در تنظیم میزان حمایت از یک محصول (نهایی) اهمیت به سزائی دارد. نکته مهمی که در تنظیم سطح نرخهای تعرفه باید به آن توجه کرد آن است که هر یک از این حمایت ها در مورد هر کالا، رشته، صنعت و یا بخش باید در بازه زمانی معین و محدودی که صرفاً برای رساندن محصول مورد حمایت به آستانه رقابتی لازم ضرورت دارد، تعریف و احصاء شود، زیرا حمایت های نامحدود و بلاشرط و بدون دامنه زمانی معین نه تنها نقض هدف غائی بشمار می آید و تبعات زیانباری را بر اقتصاد جامعه تحمیل می کند، بلکه با روند حرکت و سرعت تحولات نظام تجاری جهان نیز در تعارض بوده و محکوم به شکست خواهد بود.

اصلی ترین نکات و ملاحظات که ضرورت دارد در بازنگری و اصلاح سیاست های تعرفه ای و تنظیم راهبرد بلندمدت سیاست تجاری کشور بعنوان گرانیکاه و حلقه واسط با سیاست های توسعه صنعتی مدنظر قرار گیرد، در زیر فهرست وار اشاره می شود:

الف- رعایت ملاحظات اقتصادی و رقابتی در تنظیم نرخ حمایت برای محصولات داخلی و زمان مند کردن حمایت ها و تحلیل نتایج عملکرد حوزه مورد حمایت

ب- تنظیم عالمانه سرعت اصلاحات تعرفه ای و اجتناب از کاهش های سراسری و یکجانبه نرخ های تعرفه

ج- استفاده از سازوکار سهمیه های تعرفه ای در محصولات کشاورزی

د- استفاده منطقی و حساب شده از سازوکار تعرفه های پلکانی با هدف تقویت زنجیره ارزش داخلی

ه- استفاده معقول از تعرفه های غیر ارزشی (تعرفه های خاص)

و- استفاده از کدهای تفصیلی ردیف های تعرفه و تنوع بخشی به طبقه بندی تعرفه ها

ز- تثبیت داوطلبانه نرخ های تعرفه پس از اصلاح و اجتناب از روزمره گی در تنظیم تعرفه ها

ح- حذف شبه تعرفه ها و شفاف سازی رژیم تجاری کشور

ط- حذف موانع تجاری غیرفنی غیرتعرفه ای (ممنوعیت های غیرشرعی ورود) و جایگزینی آنها با نرخ تعرفه

ی- ایجاد و تکمیل سلسله ای از مقررات، ضوابط و استانداردهای فنی حاکم بر تجارت خارجی و تقویت بکارگیری آنها

ک- تقویت سازوکارهای دفاع تجاری و بکارگیری موثر آنها در مواقع لزوم

ل- توسعه زیرساخت های مالیاتی به عنوان جایگزینی برای تعرفه محصولات وارداتی غیر ضروری

در پایان خاطر نشان می سازد، سیاست تجاری در جهان مدرن یعنی سیاستی که مسیر تعامل با اقتصاد جهان را بگونه ای هموار کند که موجب توسعه صنعتی هر کشور گردد و اگر غیر از این نتیجه ای ببار آورد باید در محتوا، روشها، اهداف و شیوه اجرای سیاست تجاری اتخاذ شده تردید کرد.

